



نیازمند همدلی، همکاری و هم‌صدایی هستیم

اشاره:

به اعتقاد دکتر حمایتکار، درست است که زنجیره‌های مختلف نساجی با همدیگر تضاد منافع دارند ولی «می‌توانیم» کنار هم کار کنیم. وقتی پای «منافع مشترک» به میان می‌آید مجبور می‌شویم سرب یک میز کنار هم بنشینیم. اوقاتی که نرخ ارز بالا می‌رود، بلافاصله واحدهای بافندگی به سمت واحدهای ریسندگی داخلی متمایل می‌شوند اما به محض کاهش نرخ ارز، نخ‌وارداتی مورد توجه قرار می‌گیرد! این اتفاق در هیچ جای جهان رخ نمی‌دهد چون مبنای سیاست‌های تولیدی در کشور ما به درستی چیده نشده است در حالی که اگر زنجیره به درستی در کنار همدیگر قرار گیرند، تضاد منافع از بین می‌رود.

مدیرعامل ماهوت شمال ادامه می‌دهد: «صنعت نساجی ۲۱ درصد اشتغال کل کشور را در برمی‌گیرد؛ رقم اندک یا پیش پا افتاده‌ای نیست و نشان می‌دهد ما می‌توانیم در قالب تشکّل و انجمن حرفه‌ای خود را به گوش مسئولان برسانیم و خواستار بهبود و اصلاح شرایط موجود شویم و در مقابل آن از بیکاری ۲۱ درصد نیروهای انسانی و تبعات ناگوار اجتماعی، امنیتی، معیشتی و ... جلوگیری به عمل آوریم. اگر امروز کنار هم قرار نگیریم در آینده صنعت نساجی از بین خواهد رفت. برای عبور از این شرایط نامطلوب نیازمند همدلی، همکاری و هم‌صدایی هستیم... صدایمان را در قالب تشکّل‌ها و انجمن‌ها به گوش متولیان امر برسانیم و اعلام کنیم نساجی در حال دست و پا زدن است و باید برنامه‌ای برای خروج این صنعت اشتغال‌زا از بحران‌های پیش رو اندیشید.



گفت‌وگو با دکتر نسرین حمایتکار - مدیرعامل شرکت ریسندگی ماهوت شمال

تهیه و تنظیم: مینا بیانی

پیش از سال ۱۳۸۷ به طور جدی وارد صنعت نساجی نشده بودم و صرفاً براساس گفته‌های پدر در جریان فعالیت‌های کارخانه قرار می‌گرفتم.

سال ۱۳۸۷ شراکت ایشان با آقای مهندس حمیدی به اتمام رسید و کارخانه‌های «فرش زمرد» و «ریسندگی نگین» سهم پدر شد. ایشان به ما (فرزندان) گفتند: «برای احداث یک کارخانه نیازمند همراهی و همکاری شما هستیم. به این ترتیب مسئولیت اداره بخش‌های مختلف کارخانه به یکی از فرزندان سپرده شد و در این میان فروش محصولات فرش ماشینی و نخ کارخانه به من محول گردید. خواهر کوچکترم در حوزه بازرگانی و برادرانم در فروشگاه‌های فرش زمرد مشغول فعالیت شدند.

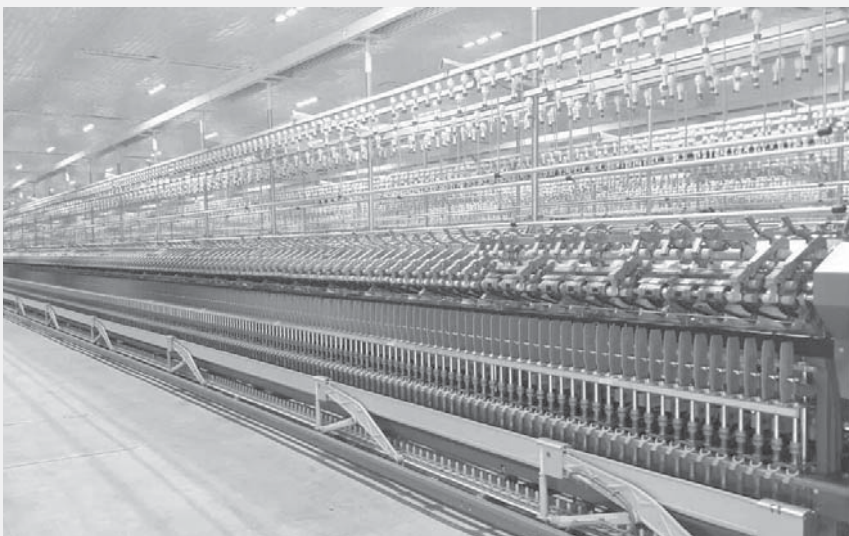
جوان ۳۰ ساله‌ای بودم که آشنایی چندانی با صنعت نساجی نداشتم ولی از آنجا که تشنه یادگیری مباحث جدید و افزایش اطلاعات در زمینه تولید و صنعت بودم، به تدریج با این صنعت آشنا شدم و اصول کار را به صورت تجربی از مشتریان، انباردارها، پدرم و ... فرا گرفتم. البته اشتباهاتی نیز در روند کار مرتکب شدم اما دلیلی بروز اشتباه نباید منجر به توقف فعالیت‌های

۴ بیوگرافی و آغاز فعالیت در صنعت نساجی

متولد ۲۱ مرداد سال ۱۳۵۴ در تهران و فارغ‌التحصیل مقطع دکترای کارآفرینی (گرایش کسب و کار) از دانشگاه آزاد اسلامی هستیم. در خانواده‌ای کاملاً صنعتی به دنیا آمدم. پدرم - آقای ابراهیم حمایتکار - پیش از انقلاب به واردات فرش ماشینی از بلژیک می‌پرداختند و پس از آشنایی با گروه صنعتی فرش مشهد و آقای مهندس رضا حمیدی، شراکت این دو نفر شکل می‌گیرد. کارخانه صنایع پتوبافی قم را خریداری می‌کنند و مشغول فعالیت می‌شوند و در این سال‌ها شرکت‌های متعددی از جمله فرش زمرد مشهد، گروه ریسندگی نگین مشهد، چرم مشهد و ... به گروه صنعتی فرش مشهد افزوده شدند.

شاید این تصور وجود داشت در خانواده سنتی ما حضور دختران خانواده در کارخانه فرش ماشینی امکان‌پذیر نبود اما پدرم هرازگاهی ما را به کارخانه می‌بردند و مراحل تولید را توضیح می‌دادند.

از همان دوران کودکی روحیه ماجراجویانه‌ام باعث علاقه‌مندی‌ام نسبت به تولید و صنعت شد هرچند تا



شما شود. همیشه باید از اشتباهات درس بگیرید و آنها را تکرار نکنید. بارها به فرزندانم یادآور شده‌ام که «اشتباه کردن ایرادی ندارد اما از اشتباه خود درس بگیرید.» زمانی که از گروه فرش مشهد جدا شدیم؛ ۸ صبح در کارخانه حاضر می‌شدم و اغلب اوقات تا ۸-۹ شب مشغول کار بودم در حالی که مسئولیت دو فرزند برعهده‌ام بود اما همیشه از همراهی خانواده و تجربیات پدر بهره‌مند بودم. همسر من تنها هیچ مشکلی با کار کردن خانم‌ها نداشت بلکه یکی از مشوق‌های اصلی من در زمینه ادامه تحصیل بودند.

سال ۱۳۹۱ به دلیل مشکلات فراوان در زمینه رنگریزی الیاف اکریلیک، کارخانه‌ای در جاده فریمان راه‌اندازی کردیم. مشکل اینجا بود که کارخانه‌های رنگریزی ثبات مشخصی در ارائه شیدهای رنگی نداشتند و این موضوع در دسرهای بسیاری برای ما به وجود می‌آورد لذا تصمیم گرفتیم بخش رنگریزی هم به مجموعه اضافه کنیم تا نسبت به ثبات رنگ الیاف مصرفی اطمینان خاطر داشته باشیم.

سه سال بعد نیز یک کارخانه ریسندگی با هدف تولید نخ‌های ظریف (نمره ۳۰ به بالا) را احداث کردیم. کم‌کم به یک گروه صنعتی تبدیل شدیم و از مرحله ذوب رسی تا رنگریزی و ریسندگی در این مجموعه وجود داشت. زمانی که مالکیت نگین زمرد مشهد در اختیار پدرم قرار گرفت حدود ۴۰۰ نفر در این کارخانه مشغول کار بودند و امروز این رقم (با احتساب شاغلین ریسندگی ماهوت شمال) به دو هزار نفر می‌رسد.

پدرم همیشه معتقدند از امروز باید برای گام‌های بعدی آماده باشید و بر این اساس پیشنهاد خرید زمین‌های مجاور کارخانه ریسندگی ماهوت شمال را مطرح کردند و بر این باورند که «شاید امروز زمان مناسبی برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای نباشد اما در صورت بهبود شرایط، اگر این زمین‌ها فروخته شوند دیگر محل مناسبی برای توسعه کارخانه در اختیار نخواهید داشت.

سال ۱۳۹۹ و در اوج دوران همه‌گیری کرونا، مراسم کلنگ‌زنی کارخانه ماهوت شمال در شهرک صنعتی علی‌آباد کتول (از توابع استان گلستان) برگزار شد. البته اجازه ندادیم کرونا مانع فعالیت‌های تولیدی کارخانه شود و در همان شرایط دشوار و تحت آزمایش‌های

دقیق از پرسنل و حفظ سلامتی آنان، به تولید ادامه دادیم. در این زمان علاوه بر مشکلات کرونا با تغییر شدید نرخ ارز روبرو شدیم که عملاً اجرای طرح‌های توجیهی را با اختلال مواجه کرد اما در نهایت با لطف خداوند شهریور سال ۱۴۰۱ کارخانه در زمینی به وسعت ۵ هکتار افتتاح شد و در حال حاضر به‌عنوان یکی از واحدهای بزرگ استان گلستان شناخته می‌شود.

۴ چطور از فریمان به احداث کارخانه در استان گلستان رسیدید؟

این مورد هم داستان خاص خود را دارد! همسرم جزو روسای دانشگاه آزاد اسلامی هستند. سال ۱۳۹۱ ریاست واحد دانشگاه آزاد اسلامی (واحد استان گلستان) و یکسال بعد هم مدیریت واحد علی‌آباد کتول به ایشان سپرده شد. به این ترتیب حدود ۵-۶ سال در شهرستان علی‌آباد کتول حضور داشتند. به اعتقاد من استان گلستان یک استان محروم است برخلاف تصور رایج که فکر می‌کنند استان‌های شمالی کشور ممتول و پیشرفته هستند. این استان به دریا راه ندارد و علی‌رغم طبیعت بسیار زیبا و چشم‌نواز، چندان توریستی نیست. این استان بر پایه کشاورزی (و نه صنعتی) نگه داشته شده و همین امر رشد بسیار محدود استان را در پی داشت. نماینده علی‌آباد کتول در مجلس هنگام مدیریت همسرم در دانشگاه، از من خواست با انجام سرمایه‌گذاری در این شهرستان، میزان اشتغال جوانان را افزایش دهیم و امید را در

دل‌های خانواده‌ها زنده کنیم.

با همراهی و همفکری تعدادی از دوستان این سرمایه‌گذاری را انجام دادیم و خوشبختانه پس از تأسیس ماهوت شمال، طبق آمارهای موجود، حدود ۳۰ درصد از آمار جرم و جنایت منطقه کاهش پیدا کرد. استان گلستان «چندفرهنگی» است و همین امر ناسازگاری‌های قومیتی و قبیله‌ای را به همراه دارد و تبعات اجتماعی بسیاری برای جامعه به وجود می‌آورد ولی با احداث کارخانه و ایجاد اشتغال برای مردم به خصوص جوانان، دیگر فرصتی برای ستیزه و دعوا با دیگران باقی نمی‌ماند و کاهش ۳۰ درصدی جرم و جنایت رقم بسیار چشمگیری محسوب می‌شود که جزو یکی از دستاوردهای ارزشمند ماهوت شمال می‌دانیم.

۴ در روند فعالیت‌های ماهوت شمال تا چه میزان از حمایت و همراهی مسئولان و مدیران استانی بهره‌مند هستید؟

از حق نگذریم همه مسئولان استانی پا به پای ما آمده‌اند. در تمام مدت ساخت و ساز کارخانه از استانداری گرفته تا نماینده مجلس و ... هر هفته به ما سر می‌زدند و تلاش خود را برای رفع موانع و مشکلات به کار می‌گرفتند و هیچ‌گاه ما را به عنوان سرمایه‌گذار بخش خصوصی، به حال خود تنها رها نکردند. مشکل اصلی ما کشاورزی بودن استان و فقدان

شدت پایین آمده و جای خود را به برنج و کلزا داده است در حالی که به شدت با مشکل کم‌آبی مواجهیم و کشت برنج به دلیل نیاز فراوان به آب، توجیه اقتصادی ندارد

◀ در این شرایط برخی تولیدکنندگان به واردات ماشین‌آلات دست دوم روی آورده‌اند و برخی هم معتقدند تهیه ماشین‌آلات دست دوم آلمانی به مراتب منطقی‌تر و به صرفه‌تر از تهیه ماشین‌آلات نو چینی است. نظر شما در این مورد چیست؟

واقعا همین‌طور است ماشین‌آلات دست دوم آلمانی به مراتب کیفیتی بهتر از ماشین‌های چینی دارند. اجازه دهید مثال ساده‌ای بزنم. آیا خودروهایی که از کشورهای تولیدکننده اصلی وارد می‌شدند با خودروهایی که امروز تحت همان عناوین ولی ساخت چین وارد می‌شوند؛ کیفیتشان یکسان است؟ خیر! یکی از مهمترین معایب ماشین‌های چینی این است که به سرعت فرسوده می‌شوند در حالی که ماشین‌های اروپایی به راحتی فرسوده نمی‌شوند و در صورت حفظ و نگهداری مناسب سالیان متمادی قادر به ارائه سرویس هستند.

نکته دیگر این که استهلاک ماشین‌های چینی بسیار بالاست و مجبور به تهیه مداوم قطعات مورد نیاز آنها هستید و در نهایت ممکن است به کیفیت مدنظر خود در کار با ماشین‌آلات چینی دست پیدا نکنید. به شخصه تمایل چندانی به استفاده از ماشین‌آلات چینی در خطوط تولید کارخانه ندارم و دست دوم (به اصطلاح) تمیز اروپایی را بهتر از نمونه چینی می‌دانم.

◀ برای مقابله با مشکلات حاصل از ناترازی انرژی و قطعی برق و گاز چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

در حال حاضر سرمایه‌گذاری برای تهیه و نصب ژنراتور برایمان امکان‌پذیر نیست. صرف‌نظر از قیمت بالای ژنراتور، محدودیت در دسترسی به گازوئیل و قطعی مجدد برق، مراحل نصب و راه‌اندازی ژنراتور، قیمت تمام شده محصولات را به اندازه‌ای افزایش می‌دهد

یا دیوانه باشد که وارد میدان تولید شود چون در هیچ منطق اقتصادی نمی‌گنجد سرمایه خود را به فعالیتی اختصاص دهید که نه تنها سودهای کلان و بادآورده به همراه ندارد بلکه مجبورید با مسائل و مشکلات، کوچک و بزرگ از قبیل سیستم بانکی، بیمه، مالیات، دارایی، مسائل کارگری و ... دست و پنجه نرم کنید! کارخانه تازه تأسیس است و یک‌ساله است که به ظرفیت واقعی تولید خود نزدیک می‌شود یعنی تولید روزانه ۱۲ تن نخ رینگ و ۳ تن نخ اوپن‌اند.

همه ماشین‌آلات از برندهای مطرح و معتبری همچون ریتز، اشلافورث و مورتا تهیه شده‌اند که متعلق به سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ هستند. البته تهیه این ماشین‌آلات بسیار مشکل بود اما از آن سخت‌تر تهیه و تأمین قطعات یدکی آنهاست!

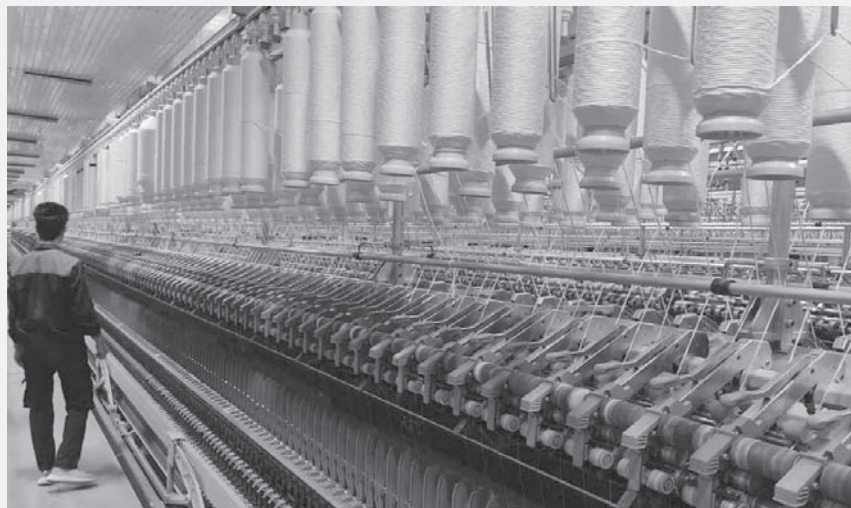
بسیاری از سازندگان ماشین‌آلات اروپایی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی پاسخی به ایمیل‌های ما نمی‌دهند و شرایط برای فعالان نساجی بیش از پیش دشوار شده است. در بسیاری از موارد برای تهیه یک قطعه کوچک ناچار به پیمودن مسیرهای غیر رسمی و تقبل هزینه‌های چندبرابری آن قطعه هستیم. در زمینه مواد اولیه باید عنوان کنم از پنبه داخلی استفاده می‌کنیم و همان‌طور که می‌دانید پنبه استان گلستان نیز کیفیت بسیار خوبی دارد در واقع تنها پنبه‌ای که الیاف غریبه در آن پیدا نمی‌شود پنبه این استان است چون همچنان به شیوه سنتی دست چین و در کبسه‌های پارچه‌ای جمع‌آوری می‌شوند ولی متأسفانه به دلیل عدم مدیریت صحیح، سطح زیرکشت پنبه به

زیرساخت‌های صنعتی است و به تازگی این زیرساخت‌ها با راه‌اندازی چندین کارخانه تولیدی در حال شکل‌گیری می‌باشد. فرهنگ حاکم بر استان کشاورزی است و به‌عنوان یک تولیدکننده باید به کشاورز فعالیت در محیط کارخانه و کار با ماشین‌آلات را یاد دهیم.

بی‌شک شرایط حکمفرما در محیط کشاورزی با فضای یک کارخانه صنعتی بسیار متفاوت است و به همین دلیل زمان نسبتاً طولانی را برای آموزش افراد اختصاص دادیم تا با نحوه کار ماشین‌آلات آشنا شوند. هنگام تأسیس کارخانه یک تیم ۳۰ نفره از جوانان گلستان و علی‌آباد کتول را با هدف دمونتاژ دستگاه‌ها به ترکیه اعزام کردیم تا به درک بهتری از عملکرد دستگاه‌ها برسند و عملیات تعمیر یا نگهداری را با دقت بیشتری انجام دهند. امروز این نیروها به سطحی از توانمندی و مهارت رسیده‌اند که اجازه نمی‌دهند تولید برای یک لحظه هم متوقف شود. طبعاً تمام این موارد هزینه‌های بسیاری برای کارخانه به بار آورد ولی شیرینی‌های خود را هم دارد.

برکتی که دعای کارگران (بابت پهن شدن سفره گسترده برای ارتزاق آنان و کسب روزی حلال برای خانواده‌ها به همراه می‌آورد) بسیار ارزشمند است و خستگی‌هایمان را از بین می‌برد.

جالب است بدانید روز افتتاحیه ماهوت شمال، امام جمعه علی‌آباد کتول در سخنرانی خود گفت: «حمایتکار یا عاشق بوده یا دیوانه!» این حرف را پدرم نیز همیشه تکرار می‌کنند که انسان باید عاشق



که عملاً توان رقابت از ما سلب می‌شود. امروز یکی از بزرگ‌ترین آفت واحدهای نساجی اعم از ریسندگی، بافندگی و ... واردات بی‌رویه است.

برای مثال طبق آمارهای موجود سال ۱۳۹۹ حجم واردات نخ ۳۰ هزار تن بوده و سال ۱۴۰۳ این رقم به ۵۰ هزار تن رسید. از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ چه تعداد کارخانه ریسندگی به صنایع نساجی اضافه شده‌اند؟ اصولاً توان تولید در کشور تا چه میزان افزایش یافته است؟ عملاً کار به جایی رسیده که صنعت در حال از بین رفتن است... هر اندازه کارخانه‌ها به تولید ادامه می‌دهند و درصدد رفع نیاز کشور هستند باید شاهد کاهش واردات باشیم در حالی که دقیقاً شرایط برعکس است. کارخانه‌های ریسندگی به تولید نخ می‌پردازند ولی به جای کنترل واردات شاهد عرضه انبوه نخ‌های وارداتی در بازار هستیم!

مزیت اصلی نخ‌های وارداتی فقط در قیمت پایین آنهاست و از نظر کیفی هیچ مشکلی وجود ندارد حتی معتقدم کیفیت نخ بسیاری از کارخانه‌ها نه تنها از نخ ازبک پایین‌تر نیست بلکه در برخی مواقع کیفیت بهتری دارند.

مدتی پیش که ماهوت شمال در مراسم گرامیداشت روز صنعت و معدن به عنوان یکی از واحدهای برگزیده انتخاب شد؛ آقای رئیس‌جمهور در سخنرانی خود به ناترازی انرژی و برق اشاره کردند و گفتند: «طی سال‌های اخیر انواع و اقسام نیروگاه‌های سیکل ترکیبی را در شهرهای مختلف تأسیس کرده‌ایم» اما برآوردی صورت نگرفته که طی کاهش بارش نزولات جوئی در سال‌های اخیر و کاهش تولید برق، باید به سرعت به دنبال راه‌حل‌های جایگزین مانند بهره‌مندی از انرژی خورشیدی و... باشیم ولی این مطالعه انجام نشده و به جایی رسیده‌ایم که هر روز از ساعت ۲ عصر تا ۱۱ شب شاهد قطعی برق کارخانه هستیم!

متأسفانه هیچ مطالعه و اقدام کارشناسی برای تأمین انرژی واحدهای صنعتی انجام نشده است و تمام راه‌حل‌ها صرفاً مقطعی و به صورت مسکن موقت هستند

آیا مسئولان اطلاع دارند که قطعی برق چه ضرباتی به تولیدکننده وارد می‌کند و مجبورند این ضرر را به روی قیمت تمام شده منتقل نمایند؟ آیا محاسبه کرده‌اند در فصول سرد سال که گاز قطع می‌شود باز هم با

کاهش ظرفیت تولید و افزایش قیمت تمام شده روبرو می‌شویم؟!

با این اوصاف تولید هر روز زیان‌ده و ضعیف‌تر از روز قبل می‌شود مگر تولیدکنندگان چقدر سود به دست می‌آورند که بخواهند با واردات انبوه و هزینه‌های مختلف به حیات ادامه دهند؟! بدتر از این، فرایند بسیار طولانی و کُشدار تخصیص ارز است. حدود ۲۰۰ روز از ثبت سفارش کارخانه ما (جهت تأمین ماده اولیه) می‌گذرد ولی هنوز هیچ ارزی تخصیص نیافته است. کارخانه ریسندگی در ابتدای زنجیره صنعت نساجی قرار دارد و ارزی به آن تخصیص نیافته ولی در عوض شاهد تخصیص ارز جهت واردات نخ هستیم! نخ با قیمت ۲۶۰ تومان وارد مملکت می‌شود و با قیمت ۲۹۰-۳۰۰ تومان به فروش می‌رسد در این بین واردکننده نخ چقدر سود می‌برد؟ بعد به تولیدکننده اعلام می‌کنند فقط ۱۰ درصد اجازه افزایش قیمت دارند! آن هم در کنار قطعی برق و گاز، عدم تخصیص ارز، وام و سرمایه در گردش و ... این موارد دقیقاً مصادق بارز تنبیه تولیدکنندگان و تشویق به واردات است.

۴ طی جنگ ۱۲ روزه فعالیت کارخانه متوقف شد؟

خیر نه تنها ماهوت شمال بلکه کل صنایع کشور در کنار دولت و حاکمیت ماند و در آن شرایط دشوار، حقوق و دستمزد نیروهای کارگری را پرداخت کردیم. تولید متوقف نشد ولی دولت کاری برایمان نکرد! بسته حمایتی دولت آن قدر دیر به دستمان رسید که

عملاً صنعت فلج شده بود! بهتر بود این بسته حمایتی برای یک تا دو ماه دیگر تمدید می‌شد تا صنعتگر به اصطلاح بتواند خود را پیدا کند. دردناک‌تر این که بسته حمایتی در بسیاری از استان‌ها اجرایی هم نشد! واقعاً به کجا می‌رویم؟

۴ به نظر شما در شش ماه دوم ۱۴۰۴ شرایط صنعت نساجی چگونه پیش خواهد رفت؟

از سال ۱۳۹۱ به بعد با افت تدریجی صنایع نساجی مواجه شدیم، کرونا را با سختی‌های بسیار پشت سر گذاشتیم، بلافاصله با نوسانات متناوب ارزی مواجه شدیم و قدرت تصمیم‌گیری واحدهای صنعتی را تحت تأثیر خود قرار دارد. بعد از آن جنگ ۱۲ روزه اتفاق افتاد و امروز صنایع نساجی در شرایط بسیار نامطلوبی قرار گرفته است و کمتر تولیدکننده‌ای امید به آینده دارد.

در مجمع اخیر انجمن صنایع نساجی ایران که با استقبال چشمگیر صنعتگران روبرو بود، به تلاش‌ها و اقدامات این تشکل طی ۳ سال اخیر اشاره شد که بسیاری از آنها موثر و قابل توجه هستند ولی اغلب مدعین از فرط استیصال و قرارگیری در شرایط نامساعد به انجمن روی آورده‌اند شاید این تشکل بتواند کاری برایشان انجام دهد و ما (اعضای هیئت مدیره) باید درک صحیحی از این نیاز داشته باشیم. امیدشان به ماست و برای باقی ماندن در میدان تولید و صنعت چشم امیدشان به انجمن نساجی دوخته شده





است. آنان می‌خواهند انجمن به زبان رسا و گویای صنعت نساجی تبدیل شود و صدای صنعتگران را به گوش دولتمردان و مسئولان ذی‌ربط برسانند تا بیش از این در منجلاط مسائل و مشکلات غرق نشوند. منکر زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه هیئت رئیسه انجمن آقایان مهندس دستمالچی‌ان، دکتر کاظمی و مهندس امامی رفوف (دبیر انجمن) و سایر اعضای هیئت مدیره نیستیم ولی صنعت نساجی در شرایط خوبی به سر نمی‌برد. اگر قرار است صنعت نساجی روی پاهای خود استوار باقی بماند باید همه زنجیره دست به دست هم دهند.

باید جلساتی برگزار شود و در آن اقتصاد دانان و مشاورین توانمند و حرفه‌ای به تولیدکنندگان راهکار ارائه دهند تا بدانیم دوران گذار را چگونه پشت سر بگذاریم... هنوز نمی‌دانیم ماه‌های آینده چه سرنوشتی خواهیم داشت چون (برای مثال) خریداران نخ، رغبتی برای تداوم خرید ندارند، رکود بسیار شدید و طاقت‌فرسا شده و این بلاتکلیفی صنعت را فلج می‌کند. امروز کل زنجیره نساجی باید در کنار هم باشند...

صنعت نساجی ۲۱ درصد اشتغال کل کشور را در برمی‌گیرد؛ رقم اندک یا پیش پا افتاده‌ای نیست و نشان می‌دهد ما می‌توانیم در قالب تشکل و انجمن حرف‌های خود را به گوش مسئولان برسانیم و خواستار بهبود و اصلاح شرایط موجود شویم و در مقابل آن از بیکاری ۲۱ درصد نیروهای انسانی و تبعات ناگوار اجتماعی، امنیتی، معیشتی و ... جلوگیری به عمل آوریم.

همه در یک زنجیره قرار داریم و باید مانند حلقه‌های زنجیر دست در دست قرار دهیم تا منافع همگی ما تأمین شود وگرنه به جایی نخواهیم رسید.

۴ کاملاً درست است که کل زنجیره

نساجی باید در کنار هم باشند ولی در صنعت نساجی به شدت با تعارض منافع فعالان مواجهیم. واحدهای بافندگی از کارخانه‌های ریسندگی گلایه دارند و تولیدکنندگان پوشاک نسبت به کیفیت پارچه‌های تولید داخل بعضاً انتقاداتی عنوان می‌کنند. موضوع تعرفه واردات نخ و پارچه هم که داستان قدیمی و

تکراری است که همیشه ریسنده و بافنده را مقابل هم قرار می‌دهد و گویی بحثی است که نتیجه‌ای در پی ندارد... دیدگاه شما در این مورد چیست؟ در کنار هم بودن زنجیره نساجی با تضاد منافعشان در تناقض نیست؟ اصولاً فعالان هر یک از بخش‌های نساجی در یک جلسه کنار هم قرار بگیرند و سر موضوعی به توافق برسند؛ آن را اجرا می‌کنند؟ یا بعد از جلسه و طی نشست‌های خودمانی‌تر، توافق به فراموشی سپرده می‌شود؟!

به نظر من تضاد منافع نه فقط در نساجی بلکه در اغلب صنایع کشور وجود دارد. در یکی از جلسات واحدهای ریسندگی با مدیر کل دفتر منسوجات و پوشاک وزارت صمت، یکی از مدعوین به ایشان عنوان داشت: «شما برای تأمین نظر بافندگان، اجازه واردات نخ را علی‌رغم مخالفت ما صادر کردید، سعی کردیم با این شرایط کنار بیاییم ولی زمانی که ازبکستان صادرات پنبه را قطع کرد آیا سراغی از واحدهای ریسندگی گرفتید که چگونه ماده اولیه مورد نیاز خود را تأمین کنند؟»

واقعیت این است که چندین ماه درگیر پیدا کردن کشور جایگزین برای تهیه پنبه بودیم و همان‌طور که می‌دانید حداکثر تا یکسال دیگر ازبکستان به ایران پنبه می‌فروشد و بعد از آن تمام پنبه تولیدی را صرف واحدهای ریسندگی داخلی و صادرات پارچه خواهد کرد. در این شرایط، واحدهای ریسندگی و بافندگی کشور چه خواهند کرد؟

اطمینان داشته باشید این کشور تا چند سال آینده به یکی از تولیدکنندگان مطرح پوشاک دنیا تبدیل خواهد

شد، آن وقت تکلیف تولیدکنندگان پوشاک ایران چه خواهد بود؟

ببینید درست است که زنجیره‌های مختلف نساجی با همدیگر تضاد منافع دارند ولی «می‌توانیم» کنار هم کار کنیم. وقتی پای «منافع مشترک» به میان می‌آید مجبور می‌شویم سر یک میز کنار هم بنشینیم. اوقاتی که نرخ ارز بالا می‌رود، بلافاصله واحدهای بافندگی به سمت واحدهای ریسندگی داخلی متمایل می‌شوند اما به محض کاهش نرخ ارز، نخ وارداتی مورد توجه قرار می‌گیرد!

این اتفاق در هیچ جای جهان رخ نمی‌دهد چون مبنای سیاست‌های تولیدی در کشور ما به درستی چیده نشده است در حالی که اگر زنجیره به درستی در کنار همدیگر قرار گیرند، تضاد منافع از بین می‌رود. در صورت اصلاح زیرساخت واحدهای ریسندگی، رفع مشکلات ناشی از ناترازی انرژی و تخصیص به موقع ارز، قطعاً قیمت تمام شده محصولات ما کاهش پیدا می‌کند و قادر به رقابت با نخ ازبک خواهیم بود ولی زمانی که مجبور به خرید ارز از بازار سیاه جهت واردات پنبه و تولید می‌شویم، چگونه این هزینه را در قیمت تمام شده خود لحاظ نماییم که خریدار و فروشنده متضرر نشوند!!!

از سوی دیگر با محدودیت واردات پارچه، واحدهای بافندگی نفسی تازه می‌کنند. تمام صنعتگران کشور بهر امیدی به تولید ادامه می‌دهند و آن‌قدر عاشق بوده و هستند که سرمایه خود را به روی زمین و ماشین‌آلات نگه می‌دارند. وقتی با انواع و اقسام شیوه‌های واردات پوشاک اعم از کولبری، ته‌لنجی، مسافری و ... مواجهیم در واقع به تولیدکننده داخلی

صدمات جبران ناپذیری وارد می‌شود.

واحدهای بافندگی به سمت خرید نخ‌های ارزان قیمت خارجی روی می‌آورند چون می‌خواهند قیمت تمام شده کالای خود را کاهش دهند تا تولیدشان توجیه‌پذیر و قابل رقابت شود همان‌طور که تولیدکننده پوشاک این سیاست را در مورد استفاده از پارچه‌های وارداتی اجرا می‌کند. چرا کل زیرساخت‌های تولیدی اصلاح نمی‌شود تا از ابتدا تا انتهای زنجیره دچار تضاد منافع نشویم؟

البته گاهی اوقات سیاست‌های بالادستی در واردات انبوه نخ و پارچه و منسوجات اثر دارد. ایران برای دریافت پول نفت یا تسویه بدهی از هند و ... کالا وارد می‌کند و اولین نام در فهرست واردات هم منسوجات قرار دارد!!!!

هند و یا هر کشور دیگری نمی‌تواند بدهی ایران را بپردازد پس مسئولان باید دنبال واردات کالایی از این کشورها باشند که یا در ایران تولید نمی‌شوند و یا کمبود عرضه وجود دارد نه واردات نخ و پارچه که باعث اختلال در عملکرد صنعتگران نساجی کشور شود. شاید هم در این میان ردپای مافیای رانت واردات مشاهده شود اما در نهایت باید کارشناس، مذاکره‌کننده یا مسئولی وجود داشته باشد که اعلام نماید واردات این نوع نخ یا پارچه، خط قرمز فعالان نساجی ایران است.

آیا در شرایط مساعد و ایده‌آل، طرحی برای توسعه ماهوت شمال داشتید؟ برای مثال خط چاپ و تکمیل یا حتی تولید پوشاک؟

بله برنامه‌هایی برای راه‌اندازی بخش چاپ داشتیم اما فعلاً تمام تلاش ما بر حفظ مجموعه و تداوم تولید متمرکز است. در مورد تولید پوشاک هم معتقدم کار سختی است؛ البته منظورم این نیست که از عهده آن برنمی‌آییم ولی نیازمند دید متفاوت‌تری نسبت به تولید نخ است. تولید پوشاک به خصوص در منطقه علی‌آباد کنترل اقدام بسیار کاربردی و موثری است و حتی جزو پیشنهادات من به کمیته امداد امام خمینی (ره) در راستای راه‌اندازی و تقویت مشاغل خانگی بود.

در جریان بازدید یکی از وزیران از کارخانه زمانی که موضوع ناترازی برق را مطرح کردم، پرسید: «چرا از خارج کشور برق نمی‌خرید؟» شاید نظر قابل تأملی به نظر برسد و در دسرهای خرید و راه‌اندازی ژنراتور را نداشته باشد ولی در وهله اول این وظیفه دولت است که باید از کشور دیگر خرید برق را انجام دهد نه یک تولیدکننده بخش خصوصی! چون از فردا باید نگران ارسال ارز به فروشنده برق و .. باشیم! اصلاً ارزی به آن تعلق می‌گیرد؟

مدتها پیش مسئولان وزارت جهاد کشاورزی پیشنهاد کشت پنبه را مطرح کردند. به آنان گفتم: «تخصص ما کشت پنبه نیست، تأمین آب و ارتباط با کشاورز، کار من تولیدکننده نیست بلکه وظیفه وزارت جهاد کشاورزی است که تولید پنبه را در کشور ترویج دهد و از پنبه‌کاران حمایت نماید. شاید این وزارتخانه بتواند با شرکت‌هایی در قالب پیمانکاری جهت کشت پنبه همکاری کند ولی نمی‌تواند از تولیدکننده نخ، انتظار مزروعهداری و کشت پنبه داشته باشد!

آیا به سرمایه‌گذاری که خواهان انجام فعالیت‌های تولیدی و صنعتی است، کار در صنعت نساجی را توصیه می‌کنید؟

خیر! نساجی را توصیه نمی‌کنم چون این صنعت در شرایط خوبی به سر نمی‌برد. امروز آمار چک‌های برگشتی بالاست، تأمین مالی کار بسیار سخت است و در هیچ یک از زنجیره‌های نساجی هزینه‌ها با درآمدها همخوانی ندارد. حتی بازگشت پول در بعضی از بخش‌ها حدود یک سال و نیم طول می‌کشد.

به نظر شما نساجی یک صنعت مردانه است؟! تاکنون با محدودیت‌های جنسیتی در این صنعت روبرو شده‌اید؟

خیر! اتفاقاً به نظرم نساجی، صنعتی است که خانم‌ها می‌توانند در آن بسیار موفق باشند. بسیاری از خانم‌ها در کسوت مدیریت کارخانه مشغول کار هستند و تعداد زیادی آقا زیردست آنان فعالیت می‌کنند. البته مدتی است که جامعه ارزش بیشتری نسبت به خانم‌ها قائل می‌شود.

تولید و فعالیت صنعتی در خانواده

حمایت‌کار به نسل‌های بعدی هم خواهد رسید؟ فرزندان شما به اشتغال در صنعت نساجی علاقه‌ای دارند یا مانند اغلب جوانان امروز سودای مهاجرت در سر می‌پرورانند؟

خوشبختانه امروز به نسل سوم رسیده است و امید دارم این زنجیره ادامه پیدا کند و براساس این امید، همگی به تلاش ادامه می‌دهیم. خوشبختانه فرزندانم تمایل و برنامه‌ای برای مهاجرت ندارند و معتقدند ما در ایران تحصیل کرده‌ایم و باید در همین‌جا هم مشغول کار شویم. پسر، کارشناس ارشد رشته صنایع است ولی از ۱۸ سالگی در کنار من سختی‌ها را پشت سر گذاشته و اعتقادی به مهاجرت و ترک کشور ندارد.

مطلب پایانی

پدرم معتقدند طی سالیان طولانی که از فعالیتشان در صنعت نساجی سپری می‌شود، هیچ زمانی را به بدی امروز ندیده‌اند. حتی زمان ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد که با نوسان شدید دلار روبرو بودیم؛ ایشان ریسک فروش محصولات را بسیار بالا می‌دانستند و می‌گفتند: «نمی‌توانم چیزی که امروز می‌فروشم را فردا بخرم!» اما در حال حاضر شرایط به مراتب وخیم‌تر شده است.

آن زمان حداقل ناترازی انرژی و مشکلات ارزی برای خرید ماشین‌آلات وجود نداشت ولی امروز چالش‌های کوچک و بزرگ در بخش‌های مختلف از جمله سیستم بانکی و ...، توان، انگیزه و انرژی تولیدکننده را به حداقل رسانده است.

نکته نهایی این که صحبت‌های من را در قالب شعار ارزیابی نکنید بلکه براساس مشکلات جاری صنایع نساجی مشاهده نمایید. وقتی می‌گویم باید در این شرایط «کنار هم» باشیم به این دلیل است که همه زنجیره درگیر مشکلات هستند.

اگر امروز کنار هم قرار نگیریم در آینده صنعت نساجی از بین خواهد رفت. برای عبور از این شرایط نامطلوب نیازمند همدلی، همکاری و هم‌صدایی هستیم... صدایمان را در قالب تشک‌ها و انجمن‌ها به گوش متولیان امر برسانیم و اعلام کنیم نساجی در حال دست و پا زدن است و باید برنامه‌ای برای خروج این صنعت اشتغال‌زا از بحران‌های پیش رو اندیشید.